

تأثیر اقشار اجتماعی بر آنومی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران

سجاد شول^۱، سعید معدنی^۲، ساسان ودیعه^۳

^۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۳ گروه تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پاسخ بررسی تأثیر اقشار اجتماعی بر آنومی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۱۱ شهر می باشد. پژوهش حاضر از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران تشکیل می دهند. با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه گیری تصادفی نمونه ای به حجم ۳۸۴ نفر، انتخاب شد. پرسشنامه مورد استفاده برای بررسی آنومی اجتماعی بر اساس بررسی های کتابخانه ای و پژوهش های گذشته، به صورت محقق ساخته طراحی گردید. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شد. در این پژوهش جهت تحلیل داده ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، استفاده از نمودار و...) استفاده شد. همچنین جهت آزمون فرضیه های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون) استفاده شد. سطح معنی داری در این پژوهش $P \leq 0/05$ تعیین و محاسبات آماری به وسیله نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۲) انجام گردید. نتایج پژوهش نشان داد متغیر تحصیلات، ۷/۶ درصد از آنومی اجتماعی و متغیر شغل، ۹ درصد از آنومی اجتماعی، متغیر سن، ۹/۷ درصد از آنومی اجتماعی، متغیر میزان درآمد، ۸/۹ درصد از آنومی اجتماعی و متغیر اقشار اجتماعی، ۱۵ درصد از آنومی اجتماعی را پیش بینی می کند.

واژه های کلیدی: آنومی اجتماعی، اقشار اجتماعی، رفتارهای پر خطر، منطقه ۱۱ شهر تهران

مقدمه

در زندگی اجتماعی بشر، از جمله مسائلی که در هر زمانی از تاریخ، انسان با نوعی با آن برخورد داشته است مسئله «بی‌هنجاری» بوده است. بی‌هنجاری می‌تواند بر حسب مواردی چون نوآوری، طغیان، اصلاح‌خواهی اجتماعی و یا رفتارهای ضد اجتماعی، تنازع و عدم پذیرش هنجارها، حکومت ناگرایی و یا ناهم‌نوازی منبعث از بی‌حالی و یا ناشی از خلق و ابداع، اشکال بسیار گوناگونی به خود گیرد (نایبی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین به نحوی معیار مشترک بین اعضای جامعه متزلزل و از بین می‌رود مسئله‌ای که به زعم برخی صاحب‌نظران، بیشتر در جوامع در حال گذر است. از سویی هم افرادی که خود دچار «احساس‌انومی» هستند با رفتارها و برخوردهای خود در سرایت همین^۲ احساس به دیگران و مبتلا کردن آن‌ها به «احساس‌انومی» نقش دارند. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد به وجود آید، افراد احساس می‌کنند راهنمایی در انتخاب‌های خود ندارند، در نتیجه حالتی از گسستگی و بی‌سامانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود. در حقیقت، تضعیف هنجارهای نظم دهنده به رفتارهای افراد، وضعیت آنومیک خوانده می‌شود (موریسون، ۱۹۹۵). لذا بررسی احساس‌انومی در بین اقشار مختلف اجتماعی برای حل آن باید جدی گرفته شود. از سویی در جامعه کنونی ایران که به دلایل بسیار زیاد در سال‌های اخیر و به اذعان تقریباً همه پژوهشگران با عقاید بسیار متفاوت و حتی متضاد، رو به سوی نوعی چالش‌های اجتماعی - فرهنگی رفته و در حال حاضر فشارهای بسیار سنگینی را به دلیل تحریم‌ها، گرانی زندگی و بی‌کفایتی برخی از مسئولان و ... تحمل می‌کند به سمت آنومی پیش رفته و در این میان با توجه به عواقبی که می‌تواند در پی ابتلا جامعه به آنومی پیش بیاید، با آگاهی به این مسئله که رفتارهایی چون ناامیدی، بی‌معنائی، بی‌اعتمادی به دیگران و مسئولین از عوارض آنومی است، لذا باید در بعد اهمیت مسئله، به این مورد توجه داشت که افرادی با چنین خصوصیتی چون در جامعه زندگی می‌کنند چگونه با دیگران تعامل خواهند داشت و این که چگونه بر افراد دیگر تأثیر گذاشته و در آینده چطور افرادی را تربیت و به جامعه تحویل خواهند داد.

در زندگی اجتماعی، انسان غالب انحراف‌ها را در شرایط زمانی و مکانی تعریف و مشخص کرده است. لذا انحرافات و مقولات بیشتر حالت نسبی به خود می‌گیرند. در این میان «آنومی» که گاهی «اختلال اجتماعی» یا به نوعی «بی‌نظمی اجتماعی» نیز خوانده می‌شود؛ یکی از رایج‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی است که به علت اهمیت آن، جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم، مرتون، مارکس و... در خصوص آن نظریه‌های متعدد علمی بیان کرده‌اند. هر کدام از نظریه‌پردازان از منظری و زاویه‌ای به تعریف، چگونگی پیدایش و زمینه‌های گسترش آن پرداخته‌اند. حتی گاه افرادی چون دورکیم در دو اثر خود یعنی در «تقسیم‌کار اجتماعی» یک تعریف از آنومی داده و در اثر دیگر خود «خودکشی» تعریف متفاوت دیگری داده است، به نوعی شاید بتوان ادعا کرد که این مسئله نشان از پویایی و در جریان بودن آنومی دارد (کرد زنگنه، ۱۳۸۵). در عرصه جامعه‌شناسی، اگر افرادی نظیر

^۱Anomie^۲Feeling anomie^۳Durkheim^۴Morrison^۵Social disorder

دورکیم، «آنومی» را در سطح کلان به کار برده‌اند، در مقابل نظریه‌پردازانی چون مرتون نیز آنومی را در سطح میانی و خرد بررسی کرده‌اند. در خصوص آنومی و آنومیک این که فرد «آنومیک» گذشته را از دست داده و به آینده امید و اعتقادی ندارد و^۷ ناچاراً در لحظه «حال» زندگی می‌کند. برخی جامعه‌شناسان از چنین شرایطی به عنوان «حالت برزخی» یاد می‌کنند و ساده‌تر این که، انسانی از جایی بریده و به جایی نیز هنوز بند نشده است. «اغلب اوقات حالت آنومیک یک دوره گذراست؛ شخص تعلق خود را به گروه خویش از دست می‌دهد و برای مدتی فرصت پیوستن به گروه دیگر را نمی‌یابد» (نایی، ۱۳۹۶). برای درک صحیح شرایط «بی‌هنجاری» و «آنومیک» بهتر است که ابتدا به هنجارهای جامعه توجه شود. چراکه با شناخت هنجارها، بی‌هنجاری‌ها نیز راحت‌تر قابل شناخت می‌شوند. رفیع‌پور (۱۳۷۸) در خصوص هنجار چنین می‌آورد: «هنجار یکی از مفاهیم مرکزی و هسته‌ای جامعه‌شناسی است. با وصف این؛ در متون جامعه‌شناسی و در بین جامعه‌شناسان خارجی نیز فضای مفهوم آن کاملاً مشخص و متمایز نشده است. هنجارها در کلیه شئون زندگی وجود دارند و آن قدر زیادند که حتی یک دانشمند جامعه‌شناس متبحر و با وقوف نیز به همه آن‌ها و بالاخص به تعدادی از آن‌ها اشراف ندارد. وقتی ما یک دوست یا آشنا را ملاقات می‌کنیم به او سلام می‌کنیم با او دست می‌دهیم و گاه روبوسی می‌کنیم این قواعد و ضوابط رفتاری همه هنجار هستند. بطور خلاصه هر قسمت از رفتارهای انسان که بطور مستقیم یا غیرمستقیم به دیگر انسان‌ها مربوط می‌شود، مبتنی بر هنجار است. از این فراتر، در زندگی فردی نیز هنجارها وجود دارد (طرز عبادت فردی، طرز غذا خوردن و ...)» (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۷۹-۱۷۸).

با این حال جوامع انسانی بر اساس قواعد، هنجارها و نظم اجتماعی اداره می‌شود، رعایت این قواعد و هنجارهای اجتماعی موجب ایجاد تعادل و نظم در جامعه می‌گردد، چنانچه رفتار افراد جامعه در اقشار مختلف به گونه‌ای بر خلاف این هنجارها پیش برود و افراد نسبت به هنجارهای موجود بی تفاوت شوند، جامعه دچار آشفتگی و بی‌هنجاری خواهد شد. با این حال در زمینه نقش اقشار مختلف اجتماعی بر آنومی اجتماعی اطلاعات کم و محدودی در دسترس است و پیشینه تحقیقاتی در این زمینه دارای خلأ است. لذا با توجه به اهمیت بررسی عوامل مؤثر بر آنومی اجتماعی، هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که اقشار اجتماعی چه تأثیری بر آنومی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران دارد؟

چارچوب نظری پژوهش

جوامع انسانی بر اساس قواعد، هنجارها و نظم اجتماعی اداره می‌شود، رعایت این قواعد و هنجارهای اجتماعی موجب ایجاد تعادل و نظم در جامعه می‌گردد، چنانچه رفتار افراد جامعه در اقشار مختلف به گونه‌ای بر خلاف این هنجارها پیش برود و افراد نسبت به هنجارهای موجود بی تفاوت شوند، جامعه دچار آشفتگی و بی‌هنجاری خواهد شد. با این حال در زمینه نقش اقشار مختلف اجتماعی بر آنومی اجتماعی اطلاعات کم و محدودی در دسترس است و پیشینه تحقیقاتی در این زمینه دارای خلأ است. لذا با توجه به اهمیت بررسی عوامل مؤثر بر آنومی اجتماعی، هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که اقشار اجتماعی چه تأثیری بر آنومی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران دارد؟ در این راستا دورکیم با تأکید بر اهمیت اقتصاد و به ویژه پیامدهای منفی بی‌نظمی و آشفتگی در حوزه اقتصاد بر جامعه، تلاش دارد تا این تصور ساده را که بحران‌های اقتصادی به دلیل فقری که ایجاد می‌کنند منتج به پیامدهای منفی اجتماعی می‌شوند را رد کند. استدلال او این است که اگر

^۷Merton

^۷Anomic

مسائل اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی و فقر ناشی از آن باشد، طبیعتاً در شرایط رفاه و رونق اقتصادی نباید با این مسائل مواجه باشیم؛ حال آنکه برخی از مسائل اجتماعی می تواند نقش مهمی در ناهنجاری های اجتماعی ایفا کند. لذا در پژوهش حاضر در کنار بررسی عوامل اقتصادی به بررسی عوامل اجتماعی نیز پرداخته می شود. در عین حال و به منظور افزایش جامعیت پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن اینکه برخی از موقعیت ها در جامعه از نظر کارکردی مهم تر از دیگر موقعیت ها هستند و افراد اندکی در جامعه، این استعدادها را دارند که با آموزش بتوان آن ها را برای دسترسی به این موقعیت ها آماده ساخت. بنابراین، نابرابری اجتماعی، پدیده ای ضروری برای بالا بردن سطح اجتماعی است. لذا در پژوهش حاضر کلیه قشر های اجتماعی ممکن، مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرند. ماکس وبر از جامعه شناسان مخالف قشربندی بر اساس ثروت بود و قشربندی چند بعدی را مناسب تر می دانست.

جدول ۱: مفاهیم نظری درارتباط با پژوهش حاضر

نظریه پرداز	مبانی نظر	کاربرد چارچوب نظری در پژوهش حاضر
دورکیم	دورکیم سبب پیدایش نابرابری اجتماعی را در تفاوت های هوشی و کارآیی و شایستگی افراد می بیند و اینها تعیین کننده مقام های اجتماعی می باشند. این روند همان تقسیم کار در جامعه است که بر پایه استعدادها و کارآیی های افراد صورت می گیرد (کمالی، ۱۳۷۹: ۵۳). دورکیم در چارچوب ارگانیسم گرایی دو نوع نابرابری اجتماعی بیرونی و درونی را در ساختار اجتماعی تشخیص داده است، منظور وی از نابرابری اجتماعی بیرونی آن دسته از نابرابری ها است که حاصل شرایط اجتماعی است مانند موقعیت های اجتماعی خانواده، انتقال موروثی قدرت یا مالکیت. نوع دوم نابرابری ها از نظر دورکیم نابرابری هایی هستند که در نتیجه تفاوت های فردی، قابلیت ها و استعدادهای خاص فرد به وجود می آیند، به عقیده وی در جوامعی که مناسبات و روابط اجتماعی مکانیکی است نابرابری های بیرونی رواج بیشتری دارد و در جوامعی که این مناسبات ارگانیکی است نابرابری های درونی چشمگیرتر است.	دورکیم در عین تأکید بر اهمیت اقتصاد و به ویژه پیامدهای منفی بی نظمی و آشفتگی در حوزه اقتصاد بر جامعه، تلاش دارد تا این تصور ساده را که بحرانهای اقتصادی به دلیل فقری که ایجاد می کنند منتج به پیامدهای منفی اجتماعی می شوند را رد کند. استدلال او این است که اگر مسائل اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی و فقر ناشی از آن باشد، طبیعتاً در شرایط رفاه و رونق اقتصادی نباید با این مسائل مواجه باشیم؛ حال آنکه برخی از مسائل اجتماعی می تواند نقش مهمی در ناهنجاری های اجتماعی ایفا کند. لذا در پژوهش حاضر در کنار بررسی عوامل اقتصادی به بررسی عوامل اجتماعی نیز پرداخته می شود.
دیویس و مور	نظریه قشربندی کارکردی مطرح شده به وسیله ی کینگزلی دیویس و ویلبرت مور (۱۹۴۵) شاید شناخته شده ترین دیدگاه در نظریه ی ساختاری- کارکردی باشد،	برخی از موقعیت ها در جامعه از نظر کارکردی مهم تر از دیگر موقعیت ها هستند و افراد اندکی در جامعه، این

<p>استعدادها را دارند که با آموزش بتوان آن ها را برای دسترسی به این موقعیت ها آماده ساخت. بنابراین، نابرابری اجتماعی، پدیده ای ضروری برای بالا بردن سطح اجتماعی است. لذا در پژوهش حاضر کلیه قشر های اجتماعی ممکن، مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرند.</p>	<p>دیویس و مور آشکارا گفته اند که قشر بندی اجتماعی را به گونه ای جهانی و ضروری در نظر می گیرند. آنها استدلال می کنند که هیچ جامعه ای در جهان نبوده است که قشر بندی نشده یا کاملاً بدون طبقه باشد، از دیدگاه آنها، قشر بندی ضرورت کارکردی دارد. آنها نظام قشر بندی را به عنوان یک ساختار در نظر می گیرند و یادآور می شوند که قشر بندی نه به افراد درون نظام قشر بندی، بلکه به نظامی از سمت ها اطلاق می شود. به نظر آنها سمت هایی که در نظام قشر بندی از همه بلند پایه ترند، همان سمت هایی اند که به عهده گرفتن آنها ناخوشایندتر ولی برای بقای جامعه مهم ترند و به بیشترین توانایی و استعداد نیاز دارند، وانگهی، جامعه باید پاداش های بیشتری برای این سمت ها قایل شود تا کسانی که این سمت ها را بر عهده می گیرند فعالانه تر کار کنند، قشر بندی یک تمهید است که ناخودآگاه شکل می گیرد، اما همین تمهید برای هر جامعه ای که خواسته باشد باقی بماند ضرورت دارد و باید انجامش دهد.</p>	
<p>ماکس وبر از جامعه شناسان مخالف قشر بندی بر اساس ثروت بود و قشر بندی چند بعدی را مناسب تر می دانست. در این پژوهش نیز از قشر بندی بر اساس پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی و ... بررسی می شود.</p>	<p>به طور کلی ویژگی بارز تحلیل وبر از ساختار طبقاتی، کثرت گرا بودن آن است، این امتیاز همیشه برای وبر محفوظ خواهد ماند که برای نخستین بار در تاریخ جامعه شناسی نگرش چند بعدی به نابرابری های اجتماعی را مطرح کرده است، در حالی که مارکس تقریباً تأکید انحصاری بر عوامل اقتصادی به عنوان عامل تعیین کننده طبقه اجتماعی دارد وبر بیان می دارد که علایق اقتصادی باید به عنوان موردی خاص از مقوله بزرگ ارزش ها نگریسته شود، مقوله ای که شامل موارد زیادی می شود که نه صرفاً اقتصادی اند و نه در راستای منافع قابل ارزیابی اند. برای وبر مدل مارکسیستی اگرچه منبعی برای فرضیات مفید است اما در نظر او، در این مدل پیچیدگی قشر بندی بیش از حد ساده می شود. وبر بدین ترتیب می کوشد تا میان منابع مختلف تفکیک سلسله مراتب تمایز نهد.</p>	<p>ماکس وبر</p>

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی بود. پیمایش، روشی است برای بدست آوردن اطلاعاتی در باره دیدگاه ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه این روش آماری است که از راه انجام تحقیق و پژوهش علمی میسر می شود. همچنین پیمایش را می توان روشی علمی در تحقیقات اجتماعی قلمداد کرد که شامل، روش های منظم و استاندارد برای جمع آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده ها یا مجموعه های بزرگتری از گروه های مختلف جامعه است. در حقیقت پیمایش را می توان هم به ابزار استفاده برای جمع آوری داده ها و هم به فرایندهای بکار گرفته شده هنگام بهره گیری از آن ابزار تلقی کرد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران تشکیل دادند. با استفاده از جدول مورگان (به دلیل عدم دستیابی به تعداد کامل جامعه آماری در منطقه مورد نظر، از بالاترین تعداد نمونه آماری در جدول مورگان استفاده شد) و به روش نمونه گیری تصادفی نمونه ای به حجم ۳۸۴ نفر، انتخاب شد.

ابزار مورد استفاده برای بررسی آنومی اجتماعی در این پژوهش، بر اساس بررسی های کتابخانه ای و پژوهش های گذشته، به صورت محقق ساخته بر گرفته از پرسشنامه حیدری و همکاران (۲۰۱۱) طراحی گردید. این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شد و روایی پرسشنامه توسط اساتید بررسی شد و پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ ۰٫۸۱ بدست آمد. برای بررسی قشر اجتماعی نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که و پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ ۰٫۷۶ بدست آمد. در این پژوهش جهت تحلیل داده ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، استفاده از نمودار و...) استفاده شد. همچنین جهت آزمون فرضیه های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون) استفاده شد. سطح معنی داری در این پژوهش $P \leq 0/05$ تعیین و محاسبات آماری به وسیله نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۲) انجام گردید.

یافته ها

- نتایج نشان داد، ۴۶/۹ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق مرد و ۵۳/۱ درصد زن می باشند.
- نتایج نشان داد، ۶/۷ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق زیر ۲۰ سال، ۹/۶ درصد بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۶/۳ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ سال، ۳۴/۲ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ سال و ۲۳/۲ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند.
- ۷۵/۸ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق متأهل و ۲۴/۲ درصد مجرد می باشند.
- تحصیلات ۲۰/۳ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق، زیردیپلم و دیپلم، ۱۸ درصد کاردانی، ۴۷/۱ درصد کارشناسی و ۱۴/۶ درصد کارشناسی ارشد و دکتری داشتند
- ۸۰/۷ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق شاغل و ۱۹/۳ درصد غیرشاغل می باشند.
- نوع شغل ۲۶/۳ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق، کارمند، ۱۱/۷ درصد بیکار، ۵۴/۴ درصد آزاد و ۷/۶ درصد دانشجو می باشد.
- نوع سرپرست ۴۳ درصد از افراد شرکت کننده در تحقیق، خودم، ۳۹/۱ درصد پدر، ۱۳ درصد مادر، ۲/۹ درصد پدربزرگ، ۰/۸ درصد مادر بزرگ و ۱/۳ درصد سایر می باشد.
- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، درآمدهای ۲۳/۲ درصد از آن ها برای گذران زندگی خیلی کم، ۲۸/۶ درصد کم، ۲۷/۶ درصد متوسط، ۱۸ درصد زیاد و ۲/۶ درصد خیلی زیاد می باشد.

- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، طبقه اقتصادی ۱۸/۷ درصد از آن ها خیلی پایین، ۳۴/۶ درصد پایین، ۳۱/۲ درصد متوسط، ۱۴/۱ درصد زیاد و ۱/۴ درصد خیلی زیاد می باشد.
- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، ارزش مسکن ۹/۱ درصد از آن ها خیلی پایین، ۳۲/۰ درصد پایین، ۴۴/۲ درصد متوسط، ۱۴/۱ درصد بالا و ۱/۴ درصد خیلی بالا می باشد.
- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، توانایی خرید مسکن ۳۱/۲ درصد از آن ها خیلی پایین، ۳۸/۰ درصد پایین، ۲۰/۸ درصد متوسط، ۷/۸ درصد بالا و ۲/۲ درصد خیلی بالا می باشد.
- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، طبقه اجتماعی ۶/۰ درصد از آن ها خیلی پایین، ۸/۱ درصد پایین، ۴۵/۶ درصد متوسط، ۲۷/۶ درصد بالا و ۱۲/۷ درصد خیلی بالا می باشد.
- از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق، منزلت شغلی ۱۱/۲ درصد از آن ها خیلی پایین، ۱۶/۹ درصد پایین، ۳۹/۱ درصد متوسط، ۲۱/۶ درصد بالا و ۱۱/۸ درصد خیلی بالا می باشد.

جدول ۲: آمار خلاصه مدل رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای انحراف معیار
تحصیلات - آنومی اجتماعی	۰/۱۱۷	۰/۰۷۶	۰/۰۶۹	۰/۶۵۲
شغل - آنومی اجتماعی	۰/۲۹۹	۰/۰۹۰	۰/۰۸۶	۰/۴۵۱
سن - آنومی اجتماعی	۰/۳۱۲	۰/۰۹۷	۰/۰۹۲	۰/۴۱۳
میزان درآمد - آنومی اجتماعی	۰/۲۹۹	۰/۰۸۹	۰/۰۸۳	۰/۳۰۴
اقتدار اجتماعی - آنومی اجتماعی	۰/۳۸۸	۰/۱۵۰	۰/۱۴۲	۰/۴۱۹

جدول ۳: نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل	B	انحراف معیار	Beta	t	Sig	نتایج تحلیل رگرسیون
تحصیلات - آنومی اجتماعی	ثابت	۱/۶۵۸		۲۹/۴۳۰	۰/۰۰۱	(تحصیلات) ۱/۶۵۸ + ۰/۲۱۰
	تحصیلات	۰/۲۱۰	۰/۱۷۷	۴/۶۵۲	۰/۰۰۱	۷ = (آنومی اجتماعی)
شغل - آنومی	ثابت	۲/۰۴۵	۰/۲۹۹	۳۳/۵۲۰	۰/۰۰۱	(شغل) ۲/۰۴۵ + ۰/۱۹۹ =

اجتماعی	وضعیت اشتغال	۰/۱۹۹	۰/۰۳۷	۷(آنومی اجتماعی)	
				۵/۴۰۴	۰/۰۰۱
سن- آنومی اجتماعی	ثابت	۲/۱۰۶	۰/۰۷۳	۳۰/۶۱۹	۰/۰۰۱ (سن) = ۲/۱۰۶ + ۰/۲۰۶
	سن	۰/۲۰۶	۰/۰۴۹	۶/۸۲۳	۷(آنومی اجتماعی)
میزان درآمد- آنومی اجتماعی	ثابت	۲/۸۹۰	۰/۰۹۸	۴۵/۷۴۸	(میزان درآمد) = ۰/۳۸۸ +
	میزان درآمد	۰/۳۸۸	۰/۰۷۳	۷/۶۳۳	۲/۸۹۰ = ۷(آنومی اجتماعی)
اقتشار اجتماعی- آنومی اجتماعی	ثابت	۲/۹۹۱	۰/۰۸۶	۵۸/۳۲۵	(اقتشار اجتماعی) = ۰/۴۰۲ +
	اقتشار اجتماعی	۰/۴۰۲	۰/۰۶۴	۹/۶۴۴	۲/۹۹۱ = ۷(آنومی اجتماعی)

همانطور که ملاحظه می شود، ضریب همبستگی متغیر اقتشار اجتماعی و آنومی اجتماعی ۰/۳۸۸ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش بین تبیین می گردد در این رابطه برابر ۱۵ درصد می باشد. بنابراین متغیر اقتشار اجتماعی، ۱۵ درصد از آنومی اجتماعی را پیش بینی می کند. همچنین معادله رگرسیون با $F = ۴۰/۵۲۰$ و سطح معنی - داری ۰/۰۰۱ که از ۰/۰۵ کوچکتر است، معنادار می باشد.

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی اتا جهت بررسی نقش جنسیت در آنومی اجتماعی

ضریب همبستگی	متغیر	eta
۰/۵۹۰	جنسیت (وابسته)	
۰/۷۹۵	آنومی اجتماعی (وابسته)	

با توجه به جدول ۴ و خروجی آزمون اتا، مشخص شد که مقدار ارتباط در صورتی که متغیر جنسیت متغیر وابسته باشد، ۰/۵۹۰ می باشد و در صورتی که متغیر آنومی اجتماعی متغیر وابسته باشد، ۰/۷۹۵ می باشد. و از آنجا که در این قسمت متغیر آنومی اجتماعی، متغیر وابسته می باشد بنابراین مقدار رابطه در این فرضیه ۰/۷۹۵ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

ضریب همبستگی متغیر تحصیلات و آنومی اجتماعی ۰/۱۱۷ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش بین تبیین می گردد در این رابطه برابر ۷/۶ درصد می باشد. بنابراین متغیر تحصیلات، ۷/۶ درصد از آنومی اجتماعی را پیش بینی می کند.

این نتیجه با نتایج مطبوعه و همکاران (۱۳۹۷) و سونگ و جی (۲۰۱۰) همسو است. مطبوعه و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری رفتاری در دانشجویان به انجام رساندند. یافته های تحقیق نشان می دهند که

چهارعامل خانواده وگروه همگنان ۵/۲۴٪، اعمال کنترل شدید ۲۱/۲۲٪، وضعیت اقتصادی ۱۶/۲۲٪ و امورفرهنگی-آموزشی ۴۷/۲۱٪ باعث ناهنجاری های افراد گردیده است، در همین راستا بین متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، تأهل، سطح تحصیلات، میزان ارتباط با افراد متمایل به رفتارهای پرخطر، گرایش دوستان به رفتارهای پر خطر، میزان گرایش به باورهای دینی و میزان انجام اعمال و فرایض دینی با گرایش به رفتارهای پر خطر، رابطه معنی دار وجود دارد. سونگ و جی^۸ (۲۰۱۰) روی ۱۰۹۷۵۴ نوجوان در پایه ۱۲-۱۰ تحصیلی دبیرستان و ۳۳۶۵۳ دانشجو پژوهش خود را انجام دادند. نتایج پژوهش برای دانش آموزان نشان می دهد که میان وضعیت اجتماعی - اقتصادی و نوع مدرسه با مقاربت جنسی و رابطه جنسی تحمیلی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش روی دانشجویان نیز نشان می دهد که بین سطح آموزشی، نوع دانشگاه، ساختار خانواده، تحصیلات مادران و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با رفتارهای جنسی پرخطر رابطه وجود دارد. در تبیین نتایج می توان اظهار داشت که تحصیل باعث افزایش آگاهی فرد از خطرات جسمانی، روانی و اجتماعی رفتارهای پر خطر بر روی خویش و جامعه می شود و لا این آگاهی کمتر به سراغ رفتارهای پر خطر می رود و از طرفی افراد در حال تحصیل زمان زیادی را صرف مطالعه و تحصیل می کنند که این عامل نیز باعث کاهش زمان بیکاری برای انجام رفتارهای پر خطر می شود. از طرفی برنامه های آموزشی کشور به طور ضمنی در تلاشند تا سواد سلامتی محصلان را ارتقاء دهند. توانایی درک و بکارگیری اطلاعات سلامت که برای دستیابی به مراقبت های بهداشتی درمانی، افزایش دانش سلامت و شناسایی عوامل موثر بر سلامت ضروری است. سواد سلامت شامل توانایی خواندن و پیگیری دستورات بهداشتی از جمله نسخه ها، کسب و تفسیر اطلاعات بهداشتی و اتخاذ رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت و دوری از رفتارهای پر خطر می باشد. به طور سواد سلامت به معنای صلاحیت تفکر نقادانه و حل مساله، مسئولیت پذیری در قبال سلامت خود و دیگران و توانایی برقراری ارتباط موثر نیز هست (استیصاری و مرزبان، ۱۳۹۳) و می تواند زمینه کاهش رفتارهای پر خطر دانشجویان و فارغ التحصیلان را محیا سازد.

بر اساس نتایج بدست آمده مقدار سطح معنی داری (Sig) مشاهده شده کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین پیش فرض آزمون اتا معنی دار می باشد و برقرار است. در ادامه با توجه به جدول ۴-۱۷۱۱ و خروجی آزمون اتا، مشخص شد که مقدار ارتباط در صورتی که متغیر جنسیت متغیر وابسته باشد، ۰/۵۹۰ می باشد و در صورتی که متغیر آنومی اجتماعی متغیر وابسته باشد، ۰/۷۹۵ می باشد. و از آنجا که در این فرضیه متغیر آنومی اجتماعی، متغیر وابسته می باشد بنابراین مقدار رابطه در این فرضیه ۰/۷۹۵ می باشد. این نتیجه با نتایج مطیرزاده و همکاران (۱۳۹۷)، خجندی و همکاران (۱۳۹۷) و محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) همسو است. مطیرزاده و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری رفتاری در دانشجویان به انجام رساندند. یافته های تحقیق نشان می دهند که بین عملکرد خانواده، میزان دینداری، کجرو بودن دوستان، ناهنجاری افراد باناهنجاریهای رفتاری دانشجویان رابطه وجود دارد. بین متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، تأهل، سطح تحصیلات، میزان ارتباط با افراد متمایل به رفتارهای پرخطر، گرایش دوستان به رفتارهای پر خطر، میزان گرایش به باورهای دینی با رفتارهای پر خطر، رابطه معنی دار وجود دارد. خجندی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی شیوع رفتارهای پرخطر در دانشجویان دانشگاه های آزاد و پیام نور شهرستان رودان استان هرمزگان به انجام رساندند. یافته ها نشان داد شیوع مصرف مواد (مخدر، محرک، صنعتی، سنتی و....) ۵/۵ درصد (۸/۲ درصد پسران و ۱/۱ درصد دختران) و مواد دخانی (سیگار، قلیان و تنباکو) ۲۰ درصد (۲۴/۲ درصد در پسران و ۱۶/۴ درصد در دختران) است. همچنین ۱۰/۵ درصد پسران و ۲/۹ درصد دختران

^۸Song And Ji

سابقه تماس خارج از روابط زناشویی با جنس مخالف را در یک سال گذشته، تجربه کردند. محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «هم وقوعی رفتارهای پر خطر در بین نوجوانان دبیرستان های شهر تهران» با بررسی روی دانش آموزان مقطع متوسطه در شهر تهران، میزان هم وقوعی بین ۵ رفتار پرخطر (گرایش به جنس مخالف، رابطه و رفتار جنسی، مصرف الکل، مصرف سیگار و مصرف مواد مخدر و روان گردان) را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان می دهد مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی را در نوجوانان تبیین کرده است.

وجود تفاوت های زیستی و تربیتی در دو جنس، انتظارات فرهنگی و اجتماعی متفاوت و آزادی بیشتر پسران، احتمالاً امکان گرایش به رفتار پرخطر را در پسران افزایش می دهد. این امر می تواند از انتظارات و ارزش های فرهنگی درمورد لزوم عفت و پاکدامنی برای دختر و نه لزوماً برای پسران و آزادی جنسی بیشتر پسران ناشی شود. کوپر (۲۰۰۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که مصرف الکل با تصمیم گیری برای رفتار جنسی و رابطه نا ایمن جنسی در دانشجویان ارتباط قوی دارد، لذا بالاتر بودن گرایش به رابطه جنسی و رفتار پرخطر در پسران ممکن است از بالاتر بودن میزان گرایش به مصرف مواد و الکل ناشی شود. همچنین این امر می تواند دلیل بر وجود زمینه های مساعد برای گرایش به رفتارهای پرخطر، آزادی عمل بیشتر، محدود بودن نظارت ها و روابط اجتماعی وسیعتر به همراه حساسیت بالاتر به یکنواختی باشد. مازایک (۲۰۰۲) میزان گرایش نوجوانان به سیگار را در پسر ها ۸۳ درصد و در دخترها ۳ درصد نشان داده است. یافته های التدال و راندمو (۲۰۰۶) نشان داد که در کل، مردان بیش از زنان تمایل به خطر کردن دارند. مهرابی و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که پسران رفتارهای پر خطر بیشتری را مرتکب می شوند. از دیگر دلایل می توان به مسائل اجتماعی اشاره کرد. به طوری که جامعه گرایش و عمل پسران برای رفتارهای پرخطر مانند رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل و رابطه و رفتار جنسی را کمتر مورد محدودیت قرار داده است.

ضریب همبستگی متغیر شغل و آنومی اجتماعی ۰/۲۹۹ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش بین تبیین می گردد در این رابطه برابر ۹ درصد می باشد. بنابراین متغیر شغل، ۹ درصد از آنومی اجتماعی را پیش بینی می کند. در زمینه نقش شغل بر آنومی اجتماعی پژوهشی مشاهده نشد اما نتایج پژوهش های ملتفت و همکاران (۱۳۹۷)، مطیرزاده و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) و سونگ و جی (۲۰۱۰) نشان دادند که درآمد و امنیت اقتصادی که از شغل پایدار حاصل می شود می تواند در کاهش آنومی اثر گذار باشد. شغل افراد از آن جهت مهم است و می تواند میزان رضایت مندی، کاهش امید به زندگی و احساس ناامنی می تواند زمینه رفتار پر خطر را فراهم آورد. اشغال باعث توسعه جایگاه اجتماعی و مسئولیت پذیری در فرد می شود و این عوامل می توانند زمینه کاهش رفتار های پر خطر را فراهم آورند. افراد با قبول مسئولیت و ارتباط مؤثر با دیگران و جامعه به رشد توانایی های خویش می پردازد و برای زندگی آماده می گردد و با انجام کار به هویت خود دست می یابد (امینی و همکاران، ۱۳۹۶). از سویی نداشتن شغل و امنیت شغلی نیز از دیگر مسایل اقتصادی است که منجر به احساس آنومی می شود؛ چرا که اگر شخص احساس کند به دلیل نامشخصی شغل خود را ممکن است از دست بدهد دچار سرگشتگی و عدم تعهد و التزام به معیارها و هنجارها خواهد شد.

ضریب همبستگی متغیر سن و آنومی اجتماعی ۰/۳۱۲ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش بین تبیین می گردد در این رابطه برابر ۹/۷ درصد می باشد. بنابراین متغیر سن، ۹/۷ درصد از آنومی اجتماعی را

پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه با نتایج باقری و همکاران (۱۳۸۹) و افشاری و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو است. دلیل این ناهمسوئی را می‌تواند به تنوع سنی جامعه آماری در پژوهش حاضر و محدودیت سنی جامعه آماری در پژوهش های باقری و همکاران (۱۳۸۹) و افشاری و همکاران (۱۳۹۶) نسبت داد زیرا این پژوهش ها در بین دانشجویان صورت گرفته که این افراد در دامنه سنی خاص هستند. با این حال سن پایین به دلیل عدم آگاهی از خطرات و پیامدهای رفتارهای پر خطر بسیار حساس بوده و می‌تواند اثرات جبران ناپذیری را روی فرد داشته باشد.

ضریب همبستگی متغیر میزان درآمد و آنومی اجتماعی ۰/۲۹۹ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌گردد در این رابطه برابر ۸/۹ درصد می‌باشد. بنابراین متغیر میزان درآمد، ۸/۹ درصد از آنومی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه با نتایج پژوهش های ملتفت و همکاران (۱۳۹۷)، مطیرزاده و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) و سونگ و جی (۲۰۱۰) همسو است. ملتفت و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان ارتباط احساس آنومی و نگرش به خودکشی (مورد مطالعه: جوانان شهر آبدانان، استان ایلام) به انجام رساندند. یافته ها نشان داد که بین میزان احساس آنومی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) و نگرش جوانان شهر آبدانان به خودکشی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد و همچنین یافته ها نشان داده اند که متغیرهای احساس آنومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر روی هم ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. مطیرزاده و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری رفتاری در دانشجویان به انجام رساندند. یافته های تحقیق نشان می‌دهند که بین عملکرد خانواده، میزان دینداری، کجرو بودن دوستان، ناهنجاری افراد باناهنجاریهای رفتاری دانشجویان رابطه وجود دارد. اما بین سطح تحصیلات والدین و ناهنجاری رفتاری دانشجویان تفاوت معنی داری وجود ندارد. طبق نتایج مطالعات دیگر، چهارعامل خانواده و گروه همگنان ۵/۲۴٪، اعمال کنترل شدید ۲۱/۲۲٪، وضعیت اقتصادی ۱۶/۲۲٪ و امورفرهنگی-آموزشی ۴۷/۲۱٪ باعث ناهنجاری های افراد گردیده است که بالاترین میزان مربوط به عامل خانواده و گروه همگنان می‌باشد. محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «هم وقوعی رفتارهای پر خطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران» با بررسی روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهر تهران، میزان هم وقوعی بین ۵ رفتار پرخطر دریافتند مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی را در نوجوانان تبیین کرده است. سونگ و جی (۲۰۱۰) روی ۱۰۹۷۵۴ نوجوان در پایه ۱۲-۱۰ تحصیلی دبیرستان و ۳۳۶۵۳ دانشجو پژوهش خود را انجام دادند. نتایج پژوهش برای دانش‌آموزان نشان می‌دهد که میان وضعیت اجتماعی - اقتصادی و نوع مدرسه با مقاربت جنسی و رابطه جنسی تحمیلی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش روی دانشجویان نیز نشان می‌دهد که بین سطح آموزشی، نوع دانشگاه، ساختار خانواده، تحصیلات مادرانشان و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با رفتارهای جنسی پرخطر رابطه وجود دارد. در این راستا از نظر مرتن آنومی تنها به معنای فقدان هنجارها نیست بلکه ابهام و تعارض هنجارها را نیز دربر می‌گیرد. پیش‌فرض مرتن در طرح نظریه آنومی عبارت بود از اینکه فرهنگ آمریکایی تاکید بسیاری بر برتری و دستیابی به موقعیت‌های مادی دارد. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که ابزار، امکانات و فرصت‌های لازم در به‌دست آوردن موفقیت مالی به‌طور کافی و مساوی در بین جمعیت توزیع نشده است. مردم در جامعه از منابع یکسان خانوادگی، دستیابی به فرصت‌های آموزش و ارتباطات برخوردار نیستند. بعضی از مردم به لحاظ پیشینه نژادی

³Song And Ji

و قومی دست به انحرافات می‌زنند، از طرف دیگر همه مردم، فراتر از نژادها و طبقات خاص، هنجارهای جاری و مطرح در جامعه را درونی نکرده‌اند تا در راستای دستیابی به موقعیت‌های مادی عمل کنند. بنابراین مرتن بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بین هدف مورد تایید جامعه و دسترسی به وسایل حصول به آن به کار می‌برد. کوهن معتقد است که پسران طبقه پایین اهداف طبقه متوسط را می‌پذیرند ولی امکانات رسیدن به این اهداف را از طریق وسایلی که از نظر جامعه مقبولند ندارند و بنابراین بر مبنای ملاک سنجش طبقه متوسط قضاوت می‌شوند. گویی که باید ارزش های طبقه ی متوسط را به دست آورد اما پسران طبقه ی پایین جهت عملی نمودن اهداف طبقه متوسط مهیا نیستند از این رو به طور مداوم از کسب منزلتی که هنجارهای طبقه متوسط مطلوب می‌داند احساس محرومیت می‌کند (نبوی، ۱۳۸۵). همچنین افرادی که توانایی مالی خوبی ندارند امکان برآورده کردن انتظارات فردی و خانوادگی خود را ندارند و این عامل باعث دلزدگی فرد از محیط و جامعه می‌شود که این عامل می‌تواند زمینه آنومی را فراهم آورد.

ضریب همبستگی متغیر اقشار اجتماعی و آنومی اجتماعی ۰/۳۸۸ و ضریب تعیین، یعنی درصدی از واریانس متغیر ملاک که توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌گردد در این رابطه برابر ۱۵ درصد می‌باشد. بنابراین متغیر اقشار اجتماعی، ۱۵ درصد از آنومی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.

این نتیجه با نتایج خجندی و همکاران (۱۳۹۷)، مطیروزاده و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷)، سسیلی و همکاران (۲۰۱۷) و سونگ و جی (۲۰۱۰) همسو است. خجندی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی شیوع رفتارهای پرخطر در دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور شهرستان رودان استان هرمزگان به انجام رساندند. یافته‌ها نشان داد شیوع مصرف مواد (مخدر، محرک، صنعتی، سنتی و...) ۵/۵ درصد (۸/۲ درصد پسران و ۱/۱ درصد دختران) و مواد دخیانی (سیگار، قلیان و تنباکو) ۲۰ درصد (۲۴/۲ درصد در پسران و ۱۶/۴ درصد در دختران) است. همچنین ۱۰/۵ درصد پسران و ۲/۹ درصد دختران سابقه تماس خارج از روابط زناشویی با جنس مخالف را در یک سال گذشته، تجربه کردند. مطیروزاده و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری رفتاری در دانشجویان به انجام رساندند. یافته های تحقیق نشان می‌دهند که بین عملکرد خانواده، میزان دینداری، کجرو بودن دوستان، ناهنجاری افراد باناهنجاریهای رفتاری دانشجویان رابطه وجود دارد. اما بین سطح تحصیلات والدین و ناهنجاری رفتاری دانشجویان تفاوت معنی داری وجود ندارد، چهارعامل خانواده و گروه همگنان ۵/۲۴٪، اعمال کنترل شدید ۲۱/۲۲٪، وضعیت اقتصادی ۱۶/۲۲٪ و امورفرهنگی-آموزشی ۴۷/۲۱٪ باعث ناهنجاری های افراد گردیده است که بالاترین میزان مربوط به عامل خانواده و گروه همگنان می باشد. دیگر یافته ها نشان می‌دهد بین پذیرش فرهنگ جهانی-غربی و کجروی فرهنگی رابطه نسبتاً قوی وجود دارد. بر اساس یافته های دیگر، بین متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، تأهل، سطح تحصیلات، میزان ارتباط با افراد متمایل به رفتارهای پرخطر، گرایش دوستان به رفتارهای پر خطر، میزان گرایش به باورهای دینی و میزان انجام اعمال و فرائض دینی با متغیر وابسته که گرایش به رفتارهای پر خطر است، رابطه معنی دار وجود دارد. محمدی زاده و احمد آبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «هم‌وقوعی رفتارهای پر خطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران» با بررسی روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهر تهران، میزان هم‌وقوعی بین ۵ رفتار پرخطر (گرایش به جنس مخالف، رابطه و رفتار جنسی، مصرف الکل، مصرف سیگار و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان) را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی را در نوجوانان تبیین کرده است.

سسیلی و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان رابطه اعتیاد به رسانه های اجتماعی، عزت نفس و خودشیفتگی را به انجام رساندند. نتایج نشان داد که سن کمتر، زن بودن، دانش آموز بودن، آموزش پایین، درآمد پایین تر، اعتماد به نفس کمتر و خودشیفتگی با نمرات بالاتر در اعتیاد به رسانه های اجتماعی همراه بود. سونگ و جی (۲۰۱۰) روی ۱۰۹۷۵۴ نوجوان در پایه ۱۰-۱۲ تحصیلی دبیرستان و ۳۳۶۵۳ دانشجو پژوهش خود را انجام دادند. نتایج پژوهش برای دانش آموزان نشان می دهد که میان وضعیت اجتماعی - اقتصادی و نوع مدرسه با مقاربت جنسی و رابطه جنسی تحمیلی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش روی دانشجویان نیز نشان می دهد که بین سطح آموزشی، نوع دانشگاه، ساختار خانواده، تحصیلات مادرانشان و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با رفتارهای جنسی پرخطر رابطه وجود دارد.

دورکیم سبب پیدایش نابرابری اجتماعی را در تفاوت های هوشی و کارآیی و شایستگی افراد می بیند و اینها تعیین کننده مقام های اجتماعی می باشند. این روند همان تقسیم کار در جامعه است که بر پایه استعدادها و کارآیی های افراد صورت می گیرد- (کمالی، ۱۳۷۹: ۵۳). دورکیم در چارچوب ارگانیسم گرایی دو نوع نابرابری اجتماعی بیرونی و درونی را در ساختار اجتماعی تشخیص داده است، منظور وی از نابرابری اجتماعی بیرونی آن دسته از نابرابری ها است که حاصل شرایط اجتماعی است مانند موقعیت های اجتماعی خانواده، انتقال موروثی قدرت یا مالکیت. نوع دوم نابرابری ها از نظر دورکیم نابرابری هایی هستند که در نتیجه تفاوت های فردی، قابلیت ها و استعدادهای خاص فرد به وجود می آیند، به عقیده وی در جوامعی که مناسبات و روابط اجتماعی مکانیکی است نابرابری های بیرونی رواج بیشتری دارد و در جوامعی که این مناسبات ارگانیکی است نابرابری های درونی چشمگیرتر است. دورکیم در عین تأکید بر اهمیت اقتصاد و به ویژه پیامدهای منفی بی نظمی و آشفتگی در حوزه اقتصاد بر جامعه، تلاش دارد تا این تصور ساده را که بحرانهای اقتصادی به دلیل فقری که ایجاد می کنند منتج به پیامدهای منفی اجتماعی می شوند را رد کند. استدلال او این است که اگر مسائل اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی و فقر ناشی از آن باشد، طبیعتاً در شرایط رفاه و رونق اقتصادی نباید با این مسائل مواجه باشیم؛ حال آنکه برخی از مسائل اجتماعی می تواند نقش مهمی در ناهنجاری های اجتماعی ایفا کند. در عین حال نظریه قشربندی کارکردی مطرح شده به وسیله ی کینگزلی دیویس و ویلبرت مور (۱۹۴۵) شاید شناخته شده ترین دیدگاه در نظریه ی ساختاری- کارکردی باشد، دیویس و مور آشکارا گفته اند که قشربندی اجتماعی را به گونه ای جهانی و ضروری در نظر می گیرند. آنها استدلال می کنند که هیچ جامعه ای در جهان نبوده است که قشربندی نشده یا کاملاً بدون طبقه باشد، از دیدگاه آنها، قشربندی ضرورت کارکردی دارد. آنها نظام قشربندی را به عنوان یک ساختار در نظر می گیرند و یادآور می شوند که قشربندی نه به افراد درون نظام قشربندی، بلکه به نظامی از سمت ها اطلاق می شود. به نظر آنها سمت هایی که در نظام قشربندی از همه بلندپایه ترند، همان سمت هایی اند که به عهده گرفتن آنها ناخوشایندتر ولی برای بقای جامعه مهم ترند و به بیشترین توانایی و استعداد نیاز دارند، وانگهی، جامعه باید پاداش های بیشتری برای این سمت ها قایل شود تا کسانی که این سمت ها را بر عهده می گیرند فعالانه تر کار کنند، قشربندی یک تمهید است که ناخودآگاه شکل می گیرد، اما همین تمهید برای هر جامعه ای که خواسته باشد باقی بماند ضرورت دارد و باید انجامش دهد. از سویی تحلیل وبر از ساختار طبقاتی، کثرت گرا بودن آن است، این امتیاز همیشه برای وبر محفوظ خواهد ماند که برای نخستین بار در تاریخ جامعه شناسی نگرش چند بعدی به نابرابری های اجتماعی را مطرح کرده است، در حالی که مارکس تقریباً تأکید انحصاری بر عوامل اقتصادی به عنوان عامل تعیین کننده طبقه اجتماعی دارد وبر بیان می دارد که علایق اقتصادی باید به عنوان موردی خاص از مقوله بزرگ ارزش ها نگرسته شود، مقوله ای که شامل موارد زیادی می شود که نه صرفاً اقتصادی اند و نه در راستای منافع قابل ارزیابی اند. برای وبر مدل مارکسیستی اگرچه منبعی برای فرضیات مفید

است اما در نظر او، در این مدل پیچیدگی قشربندی بیش از حد ساده می شود. وبر بدین ترتیب می کوشد تا میان منابع مختلف تفکیک سلسله مراتب تمایز نهد.

منابع

- انصاری ابراهیم، صنعت خواه علیرضا، ۱۳۹۰، بررسی نظریات قشربندی اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۱۴، ص ۳۰
- حسینی، سیما، (۱۳۹۴). بررسی رابطه ی سبک تربیتی و گرایش به رفتارهای پرخطر، مطالعه ی موردی دانشجویان ساکن خوابگاههای دانشگاه علامه طباطبائی. پایاننامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی
- خجندی غلامعلی، بانسی محمدرضا، شریفی حمید، محسنی شکرالله. (۱۳۹۷). بررسی شیوع رفتارهای پرخطر در دانشجویان دانشگاه های آزاد و پیام نور شهرستان رودان. مجله طب پیشگیری، ۵ (۲): ۴۴-۵۲
- ربانی، رسول، انصاری، ابراهیم (۱۳۸۵) جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت)،
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. انتشارات سروش، تهران.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: انتشارات سروش.
- زاده محمدی، علی. احمدآبادی، زهره (۱۳۸۷). هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان های شهر تهران. خانواده پژوهی، ۴ (۱۳): ۸۷-۱۰۰
- شاه حسینی، زهره، حمز گردشی، زینب. (۱۳۹۲). آموزش و ارتقا سلامت نوجوانان مبتنی بر رفتارهای پرخطر و نیازهای نوجوانان. ساری انتشارات شلفین.
- شاه مرادی، زهرا، (۱۳۹۲)، مقایسه ی طرحواره های ناسازگار اولیه در افراد مبتلا به اختلال سوء مصرف مواد با افراد غیر مبتلا در شهر اراک، رساله ی دکتری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان مرکزی.
- قنادی فرنود، مینا، و علیلو، مجید محمود. (۱۳۹۳). پیش بینی گرایش به مصرف سیگار، مشروبات الکلی، مواد مخدر و داروهای روان گردان بر اساس متغیرهای بدتنظیمی هیجان و تجربه ی کودک آزاری در افراد دارای صفات شخصیت مرزی. فصلنامه ی علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی، ۸ (۳۰): ۹۷-۱۱۲
- کرد زنگنه، منصور. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ی زمینه های اجتماعی با آنومی در میان دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان رامهرمز. فصلنامه ی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال اول، شماره ی ۲. صص ۲۷۳. ۲۹۶
- محمد خانی، شهرام، و رضایی جمالویی، حسن، (۱۳۹۵)، رابطه ی مصرف سیگار و قلیان با عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی نوجوانان، مجله ی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۳۳ (۲)، ۲۶۲-۲۷۹
- ملتفت، حسین و جابر مولایی. (۱۳۹۷). ارتباط احساس آنومی و نگرش به خودکشی (مورد مطالعه: جوانان شهر آبدانان (استان ایلام))، کنفرانس ملی توسعه اجتماعی، اهواز، دانشگاه شهید چمران -انجمن جامعه شناسی ایران
- میری، مرتضی، و شیرازی، محمود. (۱۳۹۶). مقایسه ی ویژگیهای شخصیتی و نگرش به خودکشی در دو گروه اقدام کنندگان به خودکشی با روش خودسوزی و مصرف دارو. مجله ی روان شناسی بالینی، ۱ (۹)، ۱۱-۱۹
- میری، میر نادر. (۱۳۸۹). رابطه ی رفتارهای پرخطر با سبکهای تربیتی ادراک شده و رابطه با خدا. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
- ناییب هوشنگ، معید فر سعید، سراج زاده سید حسین، فیضی ایرج. (۱۳۹۶). تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهتها، تفاوتها و شیوههای اندازه گیری. رفاه اجتماعی. ۱۷: ۱۳۹۶ (۶۶): ۵۲-۹

- نوذری، الهام و نعیمه ماشینچی عباسی، (۱۳۹۷)، نقش نوجویی و آسیب پرهیزی در پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دومین همایش علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی، جیرفت، همایش گستران
- نوغانی دخت بهمنی، محسن، و محمدی، فردین. (۱۳۹۵). گرایش به ارتباط با جنس مخالف، مطالعه ای در باب نوجوانان پسر مشهد. دو فصلنامه ی علمی پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۱)، ۱۸۴-۱۶۳
- هاشمی پرست، مینا، صدیقیان، مریم، اصغری جعفر آبادی، محمد، و وردی پور، حمیداله. (۱۳۹۶). تبیین رفتارهای پرخطر و محافظت نشده ی جنسی جوانان و دلایل مرتبط با آن یک مطالعه ی کیفی، مجله ای علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۲۲(۴)، ۱۱۱-۱۲۴
- Albert-Lőrincz, E., Paulik, E., Szabo, B., Foley, K., & Gasparik, A. I. (2019). Adolescent smoking and the social capital of local communities in three counties in Romania. *Gaceta sanitaria*, 33(6), 547-553.
- Bergmans, Y., & Eynan, R. (Eds.). (2014). *Routledge International Handbook of Clinical Suicide Research*. London & New York: Routledge.
- Campbell, C. (2019). Social capital, social movements and global public health: Fighting for health-enabling contexts in marginalised settings. *Social Science & Medicine*, 112153.
- Cecilie Schou Andreassena, b. Ståle Pallesen, Mark D. Griffiths. (2017). The relationship between addictive use of social media, narcissism, and self-esteem: Findings from a large national survey. *Addictive Behaviors*. Volume 64, January 2017, Pages 287–293
- Chinchilla MA, Kosson DS. Psychopathic traits moderate relationships between parental warmth and adolescent antisocial and other high-risk behaviors. *Crim Justice Behav J* 2016; ۴۳(۶): ۷۲۲-۳۸.
- Chinchilla MA, Kosson DS. (2016) Psychopathic traits moderate relationships between parental warmth and adolescent antisocial and other high-risk behaviors. *Crim Justice Behav*, ۴۳(۶): ۷۲۲-۳۸.
- Combs, K. M., Barman-Adhikari, A., Begun, S., & Rice, E. (2020). Relationships Between Parenting and Dangerous Substance Use Behaviors Among Youth Experiencing Homelessness. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 11(1), 000-000.
- Emery, A. A., Heath, N. L., & Mills, D. J. (2016). Basic Psychological Need Satisfaction, Emotion Dysregulation, and Non-Suicidal Self-Injury Engagement in Young Adults: An Application of Self-Determination Theory. *Journal of Youth and Adolescence*, 45, 612623.
- Esmaielzadeh H, Asadi M, Miri N, Keramatkar M. Prevalence of high risk behaviors among high school students of Qazvin in 2012. *IJE* 2014; 10(3): 75-8۲. [□□□□□]
- GhanadiFarnood M. (2013) Preceding the tendency to high-risk behaviors based on the poorly regulated excitement and experience of child abuse in borderline individuals. Master's Thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tizar. P. 2
- Grebneva, N. N., Slobodenuk, M. A., & Variyasova, E. V. (2019). Analytical Review of Studies on the Problem of Aggressive Socially Dangerous Behavior of Youth. *Psychology and Law*, 9(4), 134-148.
- Jia F, Krettenauer T. (2017) Recognizing Moral Identity as a Cultural Construct. *Front Psychol* ; 8: 412. PMID: 28377737.
- Lannoy, S., Chatard, A., Selimbegovic, L., Tello, N., Van der Linden, M., Heeren, A., & Billieux, J. (2020). Too good to be cautious: High implicit self-esteem predicts self-reported dangerous mobile phone use. *Computers in Human Behavior*, 103, 208-2۱۳.

- Mehrabi H, Kajbaf MB, Mojahed A. Predicating risky behaviors of the students in Esfahan University based on emotion willingness and anthropological factors. Psychological Study.2010; 6(2):141-166
- Nayeibi H, Moeidfah S, Serajzadeh S H, Faizi I. Anomie Theory of Durkheim and Merton, similarities, Differences and Methods of Measurement. refahj. 2017; 17 (66) :9-5۲
- Palm, A., Danielsson, I., Hogberh, U., & Norbergh, K. G. (2017). How Do Youth with Experience of Violence Victimization and/or Risk Drinking Perceive Routine Inquiry about Violence and Alcohol Consumption in Swedish Youth Clinics? A Qualitative Study. Sexual & Reproductive Healthcare, 13, 51-57.
- Patrick, R. B., Rote, W. M., Gibbs, J. C., & Basinger, K. S. (2019). Defend, stand by, or join in?: The relative influence of moral identity, moral judgment, and social self-efficacy on adolescents' bystander behaviors in bullying situations. Journal of youth and adolescence, ۴۸(۱۰), ۲۰۵۱-۲۰۶۴.